



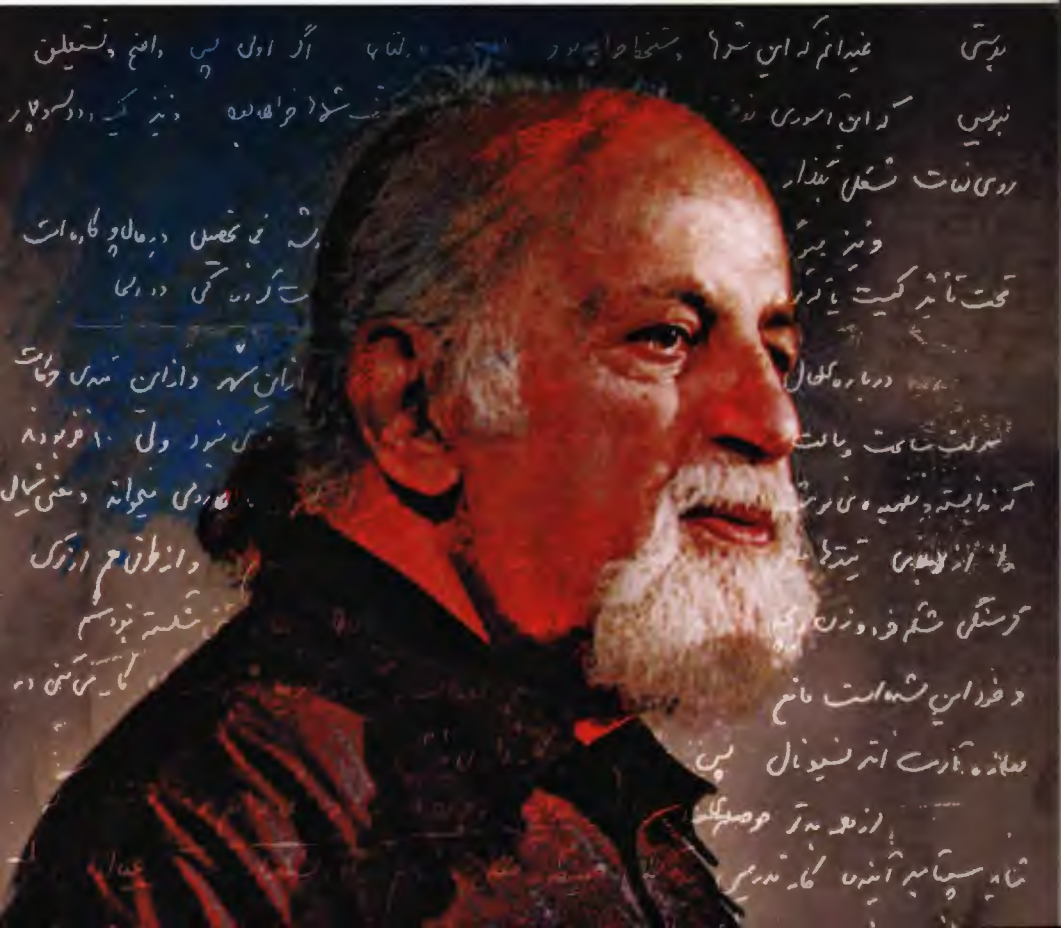
مؤسسه انتشارات نگاه

از غربت، با عشق

مجموعه نامه‌های هانیبال الخاص
به محمود مشرف آزاد تهرانی (م. آزاد)

با مقدمه و کوشش

محمد مفتاحی



از غربت، با عشق

سرشناسه	مفتاحی، محمد، ۱۳۵۶ -
عنوان و نام پدیدآور	از غربت، با عشق: مجموعه نامه های هانیبال الخاص به محمود مشرف آزاد تهرانی (م. آزاد) / با مقدمه و کوشش محمد مفتاحی
مشخصات نشر	تهران: انتشارات نگاه، ۱۳۹۷.
مشخصات ظاهری	۱۳۹ ص؛ ۱۴/۵ × ۲۱/۵ س.م.
شابک	۹۷۸-۶۰۰-۳۷۶-۳۹۸-۲
وضعیت فهرست نویسی	فیبا
موضوع	الخاص، هانی بال، ۱۳۰۹-۱۳۸۹. -- نامه ها
موضوع	نامه های فارسی -- قرن ۱۴
موضوع	Persian letters - 20th century
موضوع	نقاشان ایرانی -- قرن ۱۴ -- نامه ها
موضوع	Painters -- Iran -- 20th century -- Correspondence
رده بندی کنگره	۷۱۳۱۳۹۷ الف / ۹۸۹ PN
رده بندی دیویی	۸۶ / ۶۲ ف۸
شماره کتابشناسی ملی	۵۴۱۳۰۳۰

از غربت، با عشق

مجموعه نامه‌های هانیبال الخاص به
محمود مشرف آزاد تهرانی (م. آزاد)

به همراه قطعه‌نامه هانیبال الخاص
ویک گفت‌وگوی منتشر نشده

با مقدمه و کوشش:

محمد مفتاحی



مؤسسه انتشارات نگاه

«تأسیس ۱۳۵۲»

از غربت، با عشق

گردآوری: محمد مفتاحی

ویرایش: دفتر انتشارات نگاه
طراحی جلد: فرشید خالقی

چاپ دوم: اردیبهشت ۱۳۹۸ - شمارگان: ۲۰۰ نسخه

چاپ: نقطه

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۳۷۶-۳۹۸-۲

حق چاپ محفوظ است.



مؤسسه انتشارات نگاه

«تأسیس ۱۳۵۲»

دفتر مرکزی: خیابان انقلاب، خیابان شهدای ژاندارمری،
بین خیابان فخر رازی و خیابان دانشگاه، پلاک ۶۳، طبقه ۵
تلفن: ۱۲ - ۶۶۹۷۵۷۱۱، تلفکس: ۶۶۹۷۵۷۰۷

negahpublisher@yahoo.com

🌐 www.negahpub.com 🌐 negahpub 🌐 news.negahpub

تقدیم به صدای ماندگار فرهنگ و ادبیات
استاد آلبرت کوچویی

فهرست

مقدمه	۹
درباره‌ی م. آزاد	۱۷
درباره‌ی هانیبال الخاص	۱۹
متن نامه‌ها	۲۳
مانیفست هانیبال الخاص	۱۱۱
گفت‌وگوی منتشر نشده با هانیبال الخاص	۱۲۳
نمونه‌ی دست‌خط هانیبال الخاص	۱۳۱

مقدمه

نامه‌نگاری رسم خوشایندی است و سنت مقدسی را در پیشینه‌ی خود دارد. پیش از اختراع وسایل ارتباط جمعی، نامه‌نگاری یک ضرورت به شمار می‌رفت. از مقامات بلندپایه‌ی کشورها تا شخصیت‌های مهم مذهبی، ادبی و هنری و مردم عادی، تنها یک راه برای ارتباط محرمانه در اختیار داشتند و آن نامه‌نگاری بود. این شیوه قرن‌های متمادی ادامه یافت، تا دنیای مدرن امروزی، شکل جوامع را دگرگون کرد. جوامع باز پدید آمدند و عصر حاضر به «عصر ارتباطات» مشهور شد. پیش از تمدن مدرن امروزی، نامه‌ها را کبوتران نامه‌بر، پیک‌ها و قاصدان جابه‌جا می‌کردند. تا این‌که با گسترش خطوط تلفن و از آن پس تلفن‌های همراه و این روزها به کمک رایانه، این امکان فراهم آمد، که فاصله‌ی انسان‌ها با هم نوعان خود به کم‌ترین حد ممکن برسد. علی‌رغم دوری مسیرها و فاصله‌های دیر و دور، امکان ارتباط نزدیک و لحظه‌ای برقرار شد. از سوی دیگر، اختراع وسایل نقلیه‌ی فردی و عمومی، که مسافت بین شهرها و کشورها را در زمانی کوتاه می‌پیمایند، جای نامه‌نگاری را پر کرد؛ اما با وجود همه‌ی امکاناتی که بر شمردیم، نامه‌نگاری هنوز هم بین اقوام مختلف به صورت مکتوب کاغذی وجود دارد. ضمن این‌که

ارتباطات شبکه‌های اجتماعی مجازی و سرویس‌های پیام کوتاه راه می‌توان ادامه‌ی منطقی این رسم خوشایند دانست.

در دنیای معاصر، نامه‌نگاری دیگر یک ضرورت نیست، عشق است. بازگوکننده‌ی حالت‌های درونی، در هاله‌ای از جادوی کلمات، و همراه با رویکردی ادبی- هنری است. غیر از نامه‌های سرگشاده که مخاطب خاصی ندارند و برای یک گروه از جامعه و حتی برای همه‌ی مردم جهان نوشته می‌شوند، اغلب نامه‌ها مخاطب مشخصی دارند و همین امر به محتوای آن‌ها جنبه‌ای خصوصی و محرمانه می‌دهد. وجود ادارات ترسل و نامه‌نگاری، در دربار پادشاهان و مهر و موم کردن نامه‌ها، اهمیت این رازگونگی را ثابت می‌کند. در نامه‌های شخصی هم، آن چه شرم حضور، از بیان‌شان پیش‌گیری می‌کند، به راحتی روی کاغذ می‌لغزند. وای بسا مسائلی مطرح می‌شوند که از ناخودآگاه ذهن نگارنده بیرون می‌تراوند و ارزش بررسی‌های روان‌شناختی را می‌یابند.

آن چه می‌خوانید نامه‌های نقاش مشهور معاصر، هانیبال الخاص، به شاعر نام آشنا، م. آزاد (محمود مشرف آزاد تهرانی) است. از شواهد امر چنین بر می‌آید که نامه‌نگاری بین این دو چهره‌ی شناخته شده‌ی هنر و ادب معاصر، حدود یک دهه ادامه داشته است؛ اما با تأسف آن چه در اختیار ماست، بیش‌تر مربوط به سال‌های ۱۹۶۴ تا ۱۹۶۶ است. البته لازم به ذکر است که از سال ۱۹۶۷ نیز تک و توک نامه‌هایی وجود دارد.

درباره‌ی اهمیت این نامه‌ها و علت انتشار آن‌ها، باید به چند نکته اشاره کنیم: نخست این که در این نامه‌ها، عمق ارتباط بین این دو چهره‌ی مهم ادب و هنر سرزمین‌مان روشن می‌شود. رابطه‌ای که بی‌شبهت به رابطه شمس و مولانا نیست. در اغلب این نامه‌ها، شیفتگی هانیبال الخاص به

م. آزاد به روشنی دیده می‌شود. حتی گاهی خود الخاص به رابطه‌ی شمس و مولانا اشاره می‌کند: «...من هر چه به گذشته بیش تر فکر می‌کنم و به خصوص آن زمان کوتاه، که عمری بود و زندگی و به قول تو آن راه رفتن‌ها در حاشیه‌های آن سرزمین، محبت‌ام به تو بیش تر می‌شود. البته سخت است، ابراز این نوع حرف‌ها که به معاشقه می‌ماند؛ ولی این حرف‌ها حتی مولوی و شمس بازی نیست. دوستی خالص و الخاص است و من هر چه فکر می‌کنم که زندگی جز لذت این همدمی‌ها و هم نفسی‌ها نیست و مرگ جز غم از دست دادن آنان. و هر وقت این حرف‌ها را گفتیم، خجالتی بود و فلسفه‌بازی، برای جبران آن خجالت و بله و نه خیر (۱)»

الخاص در موارد بسیاری، سواد و دانش خود را در مقابل م. آزاد ناقص می‌داند: «واضح و نستعلیق بنویس که این آسوری، به فرض آن که از نوابغ باشد، سوات‌اش نصف شماها خواهد بود...» یا جای دیگر می‌گوید: «موضوع این نیست که تو خوبی از ما بنویسی و ما از تو. ولی هر چه بیش تر می‌شناسم‌ات، ارادت من بیش تر می‌شود. به آن همه احساس و درک و توضیح و آشنایی. تو می‌گویی من حیف که نقاشی را نمی‌شناسم. نقاشی چیست که تو نشناسی. به خدا شناسایی و ناشناسایی نیست. درک است همه؛ ولی به شرط آن که درک همه باشد، نه تنها درک این و آن. درک همه چیز و تو همه را درک می‌کنی و آن وقت می‌رسی به سؤال‌های بی‌جواب...»

یا جای دیگر می‌نویسد: «از این حرف‌ها که می‌زنم، از خودم بدم می‌آید. من کجا و انتقاد شعر کجا؟ تویی که باید بگویی چه طور پسندیدی و من بشنوم...»

و جایی هم از همه‌ی این‌ها فراتر می‌رود و فقط م. آزاد را شاعر می‌داند: «راست‌اش را بخواهی آزاد! شعر اغلب این فضلا شعر نیست. در حین ترجمه، خوب می‌شود پی‌برد به مایه و اصالت همه. ولی بدبختی این است

که می‌خواهی مجموعه‌ی شعرای معاصری ترجمه کنی و چاپ کنی. به جان تو شعر شاملو هم گاهی چنگی به دل نمی‌زند. این‌ها گاهی شاعرند و گاهی داد و فریاد و تاپ و توپ. نمی‌خواهم عاشقانه و سانتی مال بگویم. فقط داداشی! شاعر تویی. می‌بینی در یک نامه‌ی لعنتی نمی‌شود حرف زد. هیچ چی نمی‌شود گفت.»

این نامه‌ها هم چنین در برگیرنده برنامه‌های هانیبال الخاص است. از جمله: نمایش‌گاه‌های انفرادی و گروهی، تدریس او در دانش‌گاه، سفرهای کاری‌اش برای معرفی آثارش و مذاکره با گالری‌داران، ترجمه‌ی شعر شاعران معاصر به زبان انگلیسی و... و هم چنین برنامه‌های م. آزاد از جمله: چاپ مجموعه شعرهایش، ترجمه‌هایش از آثار شاعران و نویسندگان دیگر کشورها و مهم‌تر از همه فعالیت‌های ژورنالیستی‌اش در مجله آرش و...

مهم‌ترین بخش این اطلاعات مربوط می‌شود به ترجمه‌ی هانیبال الخاص از آثار شاعران معاصر ایران به انگلیسی. این ترجمه‌ها از اشعار «م. آزاد»، «فروغ فرخ‌زاد»، «احمد شاملو»، «مهدی اخوان ثالث» و «نیمایوشیج» انجام شده و الخاص آن‌ها را با هم دلی و هم‌راهی یک شاعر امریکایی با نام «برایان برگلاند» ترجمه کرده است. الخاص در نامه‌هایش از «م. آزاد» و گاهی از «جلال آل احمد» خواسته است که منابع کارش (مجموعه اشعار این شاعران) را برایش ارسال کنند و به ویژه از م. آزاد درخواست کرده است که شعرهای مهم و موثر این شاعران را برایش برگزیند. پس از ترجمه هم درباره‌ی کیفیت ترجمه‌ی شعرها، با او مشورت نموده و ویرایش کار را به «م. آزاد» سپرده است. آن چنان که از این نامه‌ها بر می‌آید، کار ترجمه‌ی شعر شاعران نامبرده، برای الخاص فراتر از یک کار حرفه‌ای، که کاری دلی و احساسی بوده است و دغدغه‌ی مهم روزهای تنهایی‌اش.

او در نامه هایش م. آزاد را به چاپ مجموعه شعرهایش ترغیب می‌کند. به او انگیزه می‌دهد و هم چنین تمام تلاش خود را برای کشاندن او به نزد خود به کار می‌گیرد.

در این نامه‌ها حالت‌های درونی این دو هنرمند در یأس و امیدواری و خشم و محبت به خوبی تصویر شده است. و می‌توان گفت این نامه‌ها کاوشگر ذهن حساس آن‌هاست. یک نوع تخلیه‌گاه و محل فرافکنی‌های روانی برای هر دو آن‌ها. بیان دغدغه‌های ادبی-هنری و پشت صحنه‌ی شکل‌گیری آثار آن‌هاست. بنابراین به نوعی، تاریخ نگاری ادبی-هنری هم به شمار می‌رود.

در بخش نقد و انتقاد هم این نامه‌ها بیان‌کننده‌ی نظرات این دو شخصیت مهم، در قبال آثار ادبی و هنری معاصر است. هم چنین افشاکننده‌ی مسایل جامعه‌ی هنری است و از اتفاقات این عرصه پرده بر می‌دارد.

باید به یاد داشت که این مجموعه، تمام نامه‌های رد و بدل شده بین این دو نیست و از جهتی دیگر، نامه‌های م. آزاد به هانیبال الخاص هم، متأسفانه، در اختیار ما قرار ندارد؛ اما به جهت اهمیت موقعیت این دو؛ یعنی شکوفایی هانیبال الخاص در امریکا و ثبت شدن او در ذهن گالری‌های مختلف امریکایی و اروپایی و از سوی دیگر هم زمانی چاپ مجموعه شعرهای دوم و سوم «م. آزاد» و آغاز دوره‌ی تازه‌ای از شعر او با این نامه‌ها، انتشار این نامه‌ها واجب به نظر می‌رسد. جدا از زیبایی‌های ادبی و احساسی که در این نامه‌ها موجود است، علاقه‌مندان شعر و هنر می‌توانند از جنبه‌های مختلف به آن‌ها پرداخته و حقایق موجود را بیرون بکشند.

محرمانه بودن محتوای این نامه‌ها بدیهی است؛ لذا بر خود واجب

می‌دانم که از روح بزرگوارم. آزاد و هانیبال الخاص، که هم‌واره شخصیت‌های محبوب زندگی‌ام بوده‌اند و خواهند بود، به جهت افشای بخشی از رابطه‌ی خصوصی‌شان پوزش بخواهم و اعلام کنم که این نامه‌ها از تشخص سبک ادبی-هنری آن دو بزرگوار است که اهمیتی غیرقابل وصف یافته‌اند. خواندن این نامه‌ها و آگاهی از محتوای آن‌ها، ذهن پژوهش‌گران و دوست‌داران ایشان را از مراحل تولید آثارشان و انگیزه دغدغه‌های‌شان آگاه می‌کند.

ذکر این نکته ضروری است که در توضیح نکاتی درباره‌ی مکان‌ها و اشخاص و اعلام به سایت ویکی‌پدیا، استناد شده است و سپس اطلاعات این سایت را با منابع دیگر تطبیق داده‌ام.

برای یک‌دست و خواناتر بودن نامه‌ها، مجبور شده‌ام که از علایم ویرایشی استفاده کنم که در متن نبوده‌اند؛ اما در نحو کلام، هیچ‌گونه دخل و تصرف و ویرایشی صورت نداده‌ام و به متن کاملاً وفادار بوده‌ام. آن‌جا که به سبب قدیمی بودن نامه‌ها و ناخوانا بودن آن‌ها، خواندن واژه‌ها و عبارت‌ها ممکن نبوده از (...) بهره‌برده‌ام و اگر نیاز به توضیحی داخل متن بوده است پس از توضیح داخل پرانتز، حرف (م) را به نشانه‌ی توضیح مؤلف این کتاب قرار داده‌ام. با این امید که خوانندگان از این نامه‌ها بهره‌ی کافی ببرند و فضای ذهن و زندگی هانیبال الخاص و م. آزاد را درک نمایند.

و سخن آخر این که از خانواده‌ی محترم م. آزاد «پروین کلانتری» مهربان و «کیوان آزاد» عزیزم، به جهت سپردن نامه‌ها به این جانب، سپاس‌گزارم و هم‌چنین بر خود واجب می‌دانم از هم‌کاری صمیمانه‌ی استاد فرید مرادی، که ورود خود را به عرصه‌ی رسمی ادبیات مدیون ایشان می‌دانم، سپاس ویژه داشته باشم. از استاد گرانمایه‌ام، آلبرت کوچویی عزیز، که خود از شاگردان

م. آزاد و با ایشان مأنوس بوده‌اند، به سبب لطف بی‌پایان و حمایت‌های بی‌دریغ‌شان نهایت سپاس‌گزاری را دارم. از یار غار و هم‌دل همیشگی‌ام، صدای ماندگار نسل من، علی مؤمنیان قدردانی می‌کنم.

از نویسندگی رمان‌های متفاوت، مجتبا هوشیار محبوب، که در خبرگزاری هنرآن لاین از این‌جانب، برای خبررسانی انتشار کتاب، حمایت ویژه‌ای نمودند، نهایت قدردانی را دارم.

از دوست مهربانم، حسن دلاور به خاطر هم‌دلی‌ها و یاری‌های لحظه‌به‌لحظه‌اش و هم‌کار دوست‌داشتنی‌ام اصغر خواجه حسینی، به سبب تطبیق شعرها و متن‌های انگلیسی نهایت قدردانی را دارم. از دخترانم ندا و مریم رضا حسینی و دوست هنرمند و مهربانم میثم رحمانی فهیم سپاس‌گزارم.

و طبق معمول از همسر، زهرا طهماسبی نمینی، که در ترجمه‌ی بخش‌های انگلیسی این نامه‌ها و ویرایش کتاب، نهایت هم‌کاری را با من داشت و هم‌واره، هم‌دل و مشوق من بود، بی‌نهایت سپاس‌گزارم.

محمد مفتاحی

اسفند ۱۳۹۵